

آندرانیك هویان

ناصرالدین شاه عكاس

اندك زمانی پس از آغاز عكاسی در جهان، عكاسی به ایران وارد شد. به درخواست محمدشاه قاجار، دولتهای روسیه تزاری و انگلستان اسباب عكاسی بر روی صفحات فلزی (داگرتوتیپ)^(۱) را به ایران فرستادند.

در اواسط ذیقعدة ۱۲۵۸ق/ ۱۸۴۲م، نیکلای پاولوف^(۲)، دیپلمات جوان روس که قبلاً عكاس به روش داگرتوتیپ را آموخته بود، به تهران آمد. او به حضور محمدشاه قاجار بار یافت و چند قطعه عكس از او گرفت.^۱

در سال ۱۲۶۱ق/ ۱۸۴۵م، وزیر مختار انگلستان همراه با مستشار سفارت نزد محمدشاه رفتند و چند قطعه عكس را که ژول ریشار^(۳) فرانسوی بر روی صفحه‌های نقره‌ای گرفته بود به شاه قاجار نشان دادند و درباره عكاس آن عكسها صحبت کردند. اندکی بعد ریشار به دربار احضار شد و در ۲۹ صفر ۱۲۶۱ق/ ۹ مارس ۱۸۴۵م، دو ساعت به ظهر مانده، به حضور محمدشاه رسید. میرزا ابوالحسن خان او را به شاه قاجار معرفی کرد. محمدشاه دستور داد اسباب عكاسی موجود در دربار را راه بیندازد و عكس تهیه کند.^۲

ژول ریشار پس از آنکه چند نوبت از محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی صدراعظم عكس گرفت، به استخدام دربار درآمد. ریشار کارمند وزارت انطباعات و دارالترجمة دولتی و مترجم زبانهای فرانسه و انگلیسی نیز شد. پس از چندی به درجه سرتیپی نایل آمد و لقب «خان» گرفت. در سالهای بعد، در مدرسه دارالفنون زبانهای فرانسه و انگلیسی درس می‌داد.

ژول ریشار در حدود سال ۱۸۱۶م در شهر اوتری^(۴) فرانسه زاده شد. در جوانی سه سال در انگلستان به سر برد و پزشکی و انگلیسی آموخت.^۳ در ۲۸ سالگی، در ۳ رجب ۱۲۶۰ق/ ۱۸ ژوئیه ۱۸۸۴م، به سوی ایران حرکت کرد و در ۱۶ شوال ۱۲۶۰ق/ ۲۹ اکتبر ۱۸۴۴م به تهران رسید.^۴ صنایع الدوله در مرآت البلدان درباره او می‌نویسد:

در اواخر عهد شاهنشاه مرور محمدشاه غازی، آلبتة الله توب الثور، مسیو ریشارخان سرتیپ، که اکنون زبان انگلیسی و غیره مدرسه دارالفنون را معلم است، بازحات زیاد بر روی صفحه نقره‌ای عكس می‌انداخت.^۵

اختراع عكاسی در اروپا با دوره حکومت محمدشاه، پدر ناصرالدین شاه، در ایران مقارن بود. از این اختراع چند سالی بیشتر نمی‌گذشت که به امر شاه اسباب آن را به ایران آوردند. پس از او، ناصرالدین شاه سخت به عكاسی علاقه نشان داد و خود آن را آموخت و ترویج کرد. نخستین کارگاه عكاسی به نام «عكاس‌خانه مبارک همایونی» در کاخ گلستان دایر شد. از این رو، ناصرالدین شاه را باید نخستین عكاس و حامی عكاسی در ایران در ایران شمرد. او حتی به نوشتن کتابهایی در آموزش عكاسی فرمود؛ و علاوه بر ترغیب رجال دربار به عكاسی، با تأسیس اولین عكاس‌خانه عمومی، مقدمات رواج عمومی آن را فراهم آورد. مجموعه عكسهایی که از دوره ناصری به دست ما رسیده اسناد معتبری برای پژوهش در تاریخ و فرهنگ ایران است.

(1) daguerreotype

(2) Nikolay Pavlov

(3) Jules Richard

(4) Autrey

اعتمادالسلطنه نیز در آثار و آثار درباره عکاسی ریشار بر روی صفحه تفره‌ای نوشته است:

اگرچه نمونه آن در اواخر سلطنت شاهنشاه مرحوم محمدشاه غازی به دست ریشارخان سرتیپ، معلم زبان انگلیسی و غیره، ارائه شد؛ اما اصل شیاع و رواج و تکمیل صنعت و انتشار عمل عکس، که فوتوگرافی می‌نامند، از خصائص بزرگ این دولت است. و اسباب عکس را مسیو ریشارخان آورده و بر روی صفحه تفره‌ای می‌انداختند.

ریشار در ۴ جمادی الثانی ۱۲۶۱ق / ۱۰ ژوئن ۱۸۴۵م به فرنگ سفر کرد و پس از هشت ماه به تهران بازگشت. به ظن قوی، همان‌گونه که اعتمادالسلطنه یاد کرده، ریشارخان وسایل عکاسی را در این سفر با خود به تهران آورد. او در تهیه عکس بسیار کار آزموده بود. از این رو، در دربار قاجار ارج و قرب فراوان یافت.

پس از محمدشاه، ناصرالدین‌شاه که از دوره ولی‌عهدی به عکاسی علاقه بسیار داشت، به این فن بیشتر روی آورد. ناصرالدین‌شاه ابتدا از معلمهای دارالفنون که از عکاسی سررشته داشتند استفاده می‌کرد. پس از مدتی، عکاسانی از فرنگ به ایران آورد که افزون بر آموختن عکاسی به شاه، عکاسان دربار را نیز آموزش می‌دادند. تعدادی از محصلان مدرسه دارالفنون را برای کسب مهارت و آموختن عکاسی به فرنگ فرستادند. آنان پس از گذراندن دوره‌های مختلف و آموختن طرز کار دوربینهای عکاسی و ظهور و چاپ شیوه‌های گوناگون عکس به ایران بازگشتند و به عکاسی پرداختند.

با مطالعه یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه چنین استنباط می‌شود که او بیشتر از دوربینهای قطع بزرگ با سه پایه استفاده می‌کرد و با روشهای علمی و فنی عکاسی و طرز کار دوربینهای مختلف آشنا شده بود و از روش به کارگیری داروهای شیمیایی و مراحل تدریجی ظهور و چاپ عکس آگاهی کامل داشت.

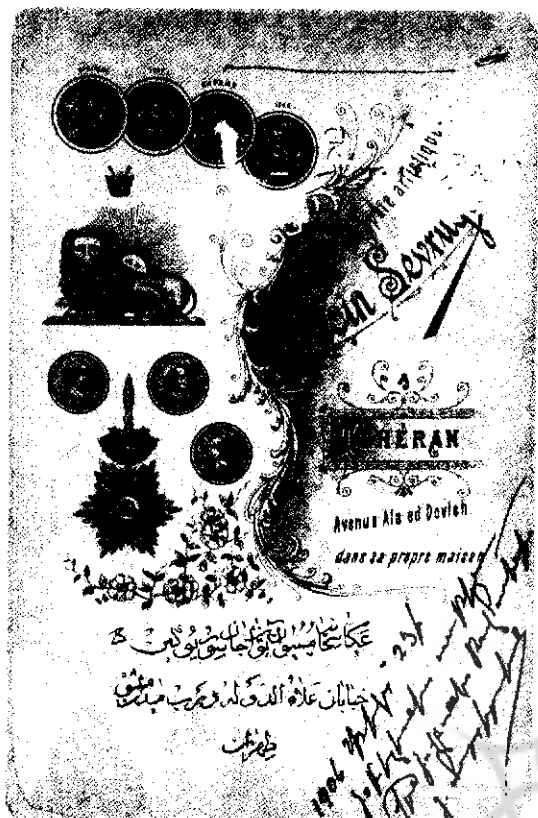
در سال ۱۲۶۶ق، ناصرالدین‌شاه به ریشارخان مأموریت داد که از سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌نوشته‌های تخت جمشید عکس بگیرد. ریشارخان به اصفهان رفت؛ ولی از عزیمت به تخت جمشید خودداری کرد و به تهران بازگشت. چند سال بعد لوئیجی پسه^(۵)، عکاس و سرهنگ ایتالیایی، این کار را انجام داد.

لوئیجی پسه سرهنگی از ناپل ایتالیا و عکاسی بسیار ماهر بود. در سال ۱۲۶۴ق به تهران آمد تا در پیاده‌نظام ارتش ایران خدمت کند. در سال ۱۲۷۷ق نامه‌ای به کنت کاوور نوشت و تقاضا کرد به ایتالیا بازگردد و خاطر نشان ساخت که «آلبومی از جالب‌ترین آثار تاریخی ایران که تاکنون کسی از آنها عکس نگرفته و او نخستین کسی است که این کار را به انجام رسانده، تهیه کرده است.»^۱ لوئیجی پسه با هزینه شخصی عکسهای از تخت جمشید گرفت و آلبومی از آن عکسها تهیه و به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد. در مقدمه این آلبوم نوشته است:

این کتاب مشتمل است بر اشکال تخت جمشید و قبر مادر سلیمان، مشهور به مشهد مرغاب [آرامگاه کوروش] و نقش رستم و بعضی عمارات. اگر چه خانه‌زاد با زحمات بسیار و مخارج از خود به طرز چاپاری از دارالخلافه باهره الی دارالعلم شیراز به جهت گرفتن عکس تصاویر معروضه رفت، بمحمدالله از عهده برآمدم. امیدوارم که مقبول رای عالم‌آرای اعلی حضرت قدر قدرت قوی شوکت اقدس ظل‌اللهی، روح العالمین فداء، افتد. سلاطین فرنگستان مبالغ خطیری محض از برای دیدن اشکال و عمارات باقی‌مانده تخت جمشید مخارج به نقاشان می‌دهند که آمده به مملکت ایران، تصاویر تخت جمشید را کشیده ببرند؛ چون در کل روی زمین بنا اعجوبه و غریب‌تر از تخت جمشید نیست و تا به حال هم کسی از اهل فرنگستان نیامده به‌طور عمل فتوغرافی که عکس باشد نقل نماید، چون خانه‌زاد اول از همه اشکال و عمارات شکسته ریخته تخت جمشید را به عمل عکس نقل کرده‌ام و به خاک‌پای مبارک اعلی حضرت اقدس شهرباری، روح العالمین فداء آورده‌ام، امیدوارم که به نشان التفاق بین‌الامثال مفتخر و سرافراز گردم.

در پانزدهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۴، چاکر جان‌نثار، پسه فرنگی ایتالیایی، معلم پیاده‌نظام عساکر منصوره پادشاهی، اشکال تخت جمشید و غیره را به عمل فتوغرافی نقل کرد.^۱

ناصرالدین‌شاه به فرخ‌خان امین‌الدوله، که در فرنگ می‌زیست، دستور داد که عکاس ماهر و کارآزموده‌ای استخدام کند و به ایران بیاورد. امین‌الدوله فرد واجد شرایطی را به نام کارهلیان برگزید و در سال ۱۲۷۵ق از فرانسه به ایران آورد. اقدامات کارهلیان عکاس آغازگر



فن عکاسی به دانش‌آموزان این مدرسه دایر و عکاسان بسیاری تربیت کرد.

از سال ۱۲۷۵ق، بر دامنه فعالیت‌های عکاسی ناصرالدین‌شاه افزوده شد. نخستین عکسها را بیشتر از زنان حرم‌سرا و غلام‌بچه‌ها و ساختمان‌های قصر سلطنتی و اندرون حرم‌سرای شاهی گرفته است. اولین دستیار ناصرالدین‌شاه در کار عکاسی جعفرقلی‌خان نیرالممالک بود که با خانواده شاه قاجار نسبت محرمیت داشت و اجازه عکس‌برداری در حرم‌سرای شاهی را یافته بود. کار ظهور و چاپ عکسها را نیز جعفرقلی‌خان انجام می‌داد.^{۱۳}

برخی از عکسهایی که ناصرالدین‌شاه گرفته و در آلبوم‌خانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود از این قرار است:

♦ ناصرالدین‌شاه نشسته بر صندلی (آلبوم ش ۲۱۵). بر روی عکس نوشته است: «شهر ذی الحجة الحرام سال ۱۲۸۳ اوایل توشقان‌نیل خودم انداخته‌ام.»



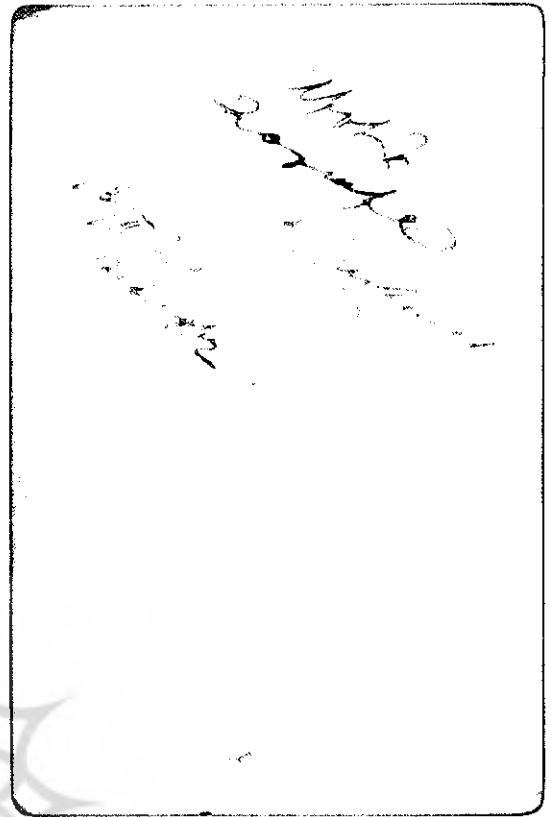
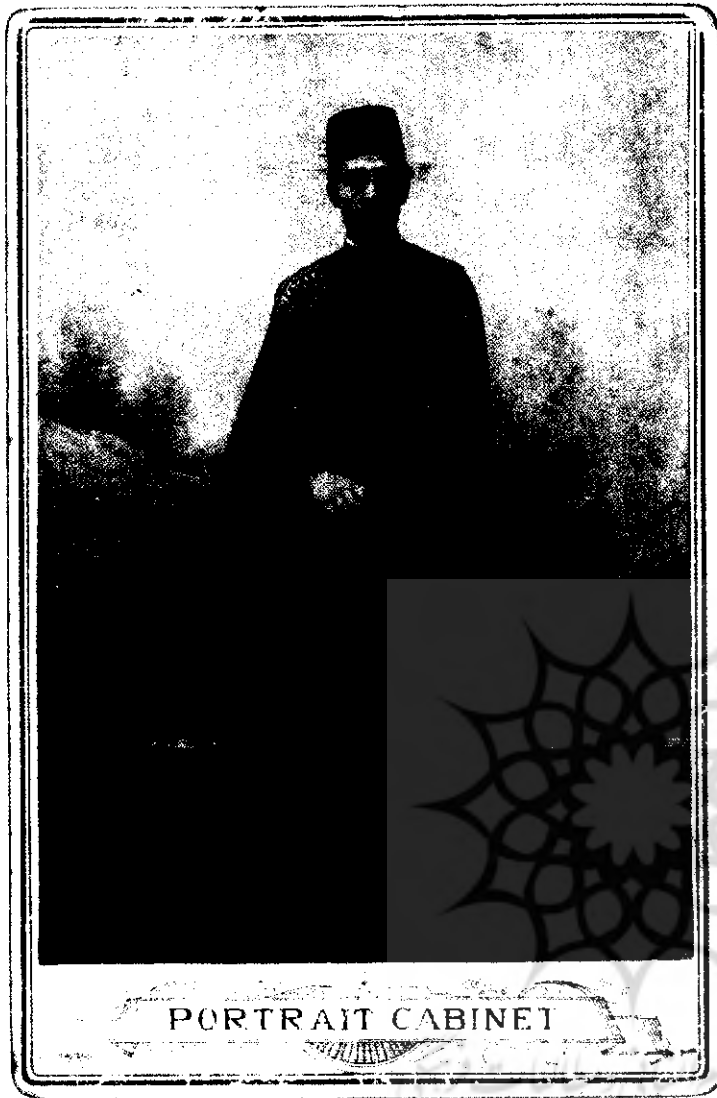
ت ۱. (راست) عکسی از عکاس‌خانه آنتوان سوزوگین

ت ۲. (چپ) پشت تصویر ۱

آموزش و توسعه فن عکاسی در ایران به حساب می‌آید. اعتمادالسلطنه درباره او می‌نویسد:

مسیو کارهلیان، که برای علم و عمل عکاسی با فرخ‌خان امین‌الدوله از پاریس به تهران آمد، عکس کلدیون را شایع کرد.^{۱۱}

اولین مکانی که به عکس‌برداری و ظهور و چاپ عکس اختصاص داده شد یکی از بناهای ارگ سلطنتی بود که به رسم آن زمان «عکاس‌خانه مبارکه همایونی» نامیده شد. کارهلیان، که فنون عکاسی را به ناصرالدین‌شاه و آقا رضا (اقبال‌السلطنه بعدی) تعلیم می‌داد، یقیناً راهنمایی‌های لازم را برای آماده ساختن عکاس‌خانه مبارکه همایونی کرده بود.^{۱۲} او در مدرسه دارالفنون کلاس‌هایی برای آموزش



♦ ناصرالدین شاه با کلاه سیلندر و پالتو پوست خزر و شلووار چهارخانه (آلبوم ش ۲۱۵). در زیر عکس نوشته است: «عشر اول رمضان ۱۲۸۴ انداخته شد در طهران خودم انداخته‌ام.»

از دل مشغولیهای ناصرالدین شاه در عکاسی، نوشتن شرح در زیر عکسها بود؛ او تاریخ عکس برداری، نام اشخاص، و موضوع عکس را می‌نوشت. از این نوشته‌ها، اشخاص و مکانها و مراسم شناخته می‌شوند و سیر تحول روشها و تاریخ عکاسی در ایران تا حدودی به دست می‌آید.

ناصرالدین شاه عکسی از مادر خود گرفته است؛ مادرش بر روی صندلی مجللی نشسته و لباس پرزرق و برق پوشیده که بافت ظریف و حالت دقیق قرار گرفتن آن جلوه‌ای چشم‌گیر به عکس بخشیده است.^{۱۴}

برخی از نوشته‌های عکسهایی که ناصرالدین شاه گرفته مطالب جالب توجهی دارد:

♦ آلبوم ش ۲۸۹، عکسهایی از زنان حرم‌سرا:

ت ۳. (چپ) عکس از
عکاس‌خانه Portrait
Cabinet

ت ۴. (راست) پشت
تصویر ۳

این اشکال را در سال ۹۴ [۱۲۹۴ق.]، در اوایل رمضان که روزه بودم، انداخته شد؛ طهران.

دوربین عکس تازه در پاریس خریده بودم. برای امتحان عشر آخر رمضان المبارک ۹۵ پارس‌نیل در نیاوران حالت مقابله قرآن را در چادر شیرازی کوچک انداخته شد. از این به بعد هم تاریخ رمضان این سنه، در همین رمضان انداخته شده است.

♦ آلبوم ش ۲۱۰:

مدت هفت سال می‌شود که عکس‌اندازی را موقوف کرده بودیم، تا اینکه در سنه ۳۰۲ [۱۳۰۲ق.] تخاقوی‌نیل، عکس انداختن را در شهرستانک فی شهر ذی‌القعدة شروع کرده این عکس را انداختم که ان‌شاءالله تعالی بعد

از این هم بیندازیم. این عکس را در عمارت شهرستانک انداخته‌ام.

♦ عکسی از حاج آقارضا، فراش خلوت فتح‌علی‌شاه، که زیر آن نوشته است: «تا زمان ما به چهار دولت خدمت کرده است.»

ناصرالدین‌شاه در دو دوره عکاسی می‌کرد، با وقفه‌ای هفت‌ساله؛ دوره اول از ۱۲۷۵ق آغاز شد و پس از بیست سال، در سال ۱۲۹۵ق پایان پذیرفت. او پس از هفت سال، از سال ۱۳۲۰ق دوباره به عکاسی پرداخت. اعتمادالسلطنه در این باره نوشته است:

شاه چند روز است عکاسی می‌فرماید. عزیزخان خواجه هم شاگردش است. مدتی بود ترک کرده بودند، باز شروع فرموده‌اند.^{۱۶}

ناصرالدین‌شاه در سفرهای فرنگ جدیدترین دوربینها را می‌خرید:

♦ آلبوم ۲۱۰.

این دو عکس را با اسباب عکس فوری که از فرنگستان خریده بودیم ۸ شهر شعبان که هشت روز از عید نوروز گذشته، در سنه ۱۳۰۷ پارس‌نیل، با نهایت کسالت و کج و بداحوالی انداخته‌ام.

دو قطعه از آخرین عکسهایی که ناصرالدین‌شاه گرفته است مربوط به سال ۱۳۱۳ق است. در زیر این دو عکس نوشته است:

عمله‌جات. در سلطنت آباد به دست مبارک عکس افتاد. ربیع الاول ۱۳۱۳.^{۱۷} فراشان سرکاری که مجموعه‌های نهار مخصوص همایونی را بر سر گرفته وارد باغ سلطنت‌آباد می‌شوند. دست مبارک عکس افتاده، ۱۳۱۳.

نخستین کتاب عکاسی که به دستور ناصرالدین‌شاه تألیف شد کتاب عکس است که محمدکاظم بن احمد محلاتی آن را نوشت؛ ولی این کتاب هرگز چاپ نشد. در روزنامه دولت علیّه ایران درباره پیشرفتهای علمی در مدرسه دارالفنون مطالبی آمده و از کتاب عکاسی‌ای یاد شده که معلمان مدرسه دارالفنون به دستور ناصرالدین‌شاه تألیف کرده‌اند.^{۱۸}

در سالهای بعد هم شماری از نویسندگان که از عکاسی اطلاعات کافی داشتند کتابهایی درباره عکاسی نوشتند و به طبع رساندند. دو نفر از داروسازان تهران که در مدرسه دارالفنون نیز درس داروسازی می‌دادند دو

جلد کتاب به نام صنعت عکاسی و علم عکاسی جدید نوشتند و منتشر کردند.

دکتر گارابد پاپاریان، فارغ التحصیل دارالعلوم الحکمتیه شاهانه شهر استانبول، در خیابان ناصریه داروخانه معتبری دایر کرده بود. دکتر پاپاریان یکی از پیشگامان آموزش عکاسی است. او در سال ۱۳۱۲ق کتابی به نام صنعت عکاسی نوشت و منتشر کرد. این کتاب یکی از نخستین آثار علمی و آموزشی در فن عکاسی است.^{۱۹}

کتاب صنعت عکاسی سه بخش دارد. عنوان بخش نخست کتاب «عکاسی» است، که دوازده فصل دارد. در این فصول به ترتیب عکس منفی، ماشین عکاسی، تاریک‌خانه، ترتیب و قواعد عکس برداشتن، دقت، پوز، ظاهر کردن عکس، نسخه‌های مختلف برای ظهور کلیشه (نگاتیف، تصویر منفی)، و خشک کردن کلیشه، معرفی فیلمهای عکاسی، قوت دادن به کلیشه، کم کردن قوت کلیشه، معنی عکس منفی کاملاً توضیح داده شده است. در بخش دوم، مفهوم عکس مثبت و در بخش سوم بعضی اطلاعات مفیده آمده است.

دکتر گارنیک‌خان دالکجیان کتاب علم عکاسی جدید را در سال ۱۳۲۵ق منتشر کرد.^{۲۱} کتاب در قطع جیبی و در ۲۲۱ صفحه است؛ به سه کتاب و هر کتاب به چند فصل تقسیم شده است:

کتاب اول: فصل اول، تاریک‌خانه؛ فصل دوم، عکس برداشتن؛ فصل سیم، در ظهور شیشه؛ فصل چهارم، چاپ کردن عکس.

کتاب دوم: عکس منفی. فصل اول، دوربین عکاسی؛ فصل دوم: اسبابهای لازمه؛ فصل سیم، شیشه‌های حساس، فصل چهارم، تاریک‌خانه؛ فصل پنجم، اقسام عکسها؛ فصل ششم، عکس برداشتن ثبوت؛ فصل هفتم، کم قوت و پر قوت کردن شیشه.

کتاب سیم: عکس مثبت. فصل اول، روتوش؛ فصل دوم، ورنی شیشه؛ فصل سیم، کاغذهای عکاسی؛ فصل چهارم، چاپ کردن عکس؛ فصل پنجم، ویراژ؛ فصل ششم، ثبوت و شستن عکسها؛ فصل هفتم، فیکساز مخلوط نوظهور؛ فصل هشتم، ظاهر کردن کاغذهای ژلاتین؛ فصل نهم، کاغذهایی که باید با دوا ظاهر شوند؛ فصل دهم، چسباندن عکس روی مقوا؛ فصل یازدهم، عکسهای مثبت روی

شیشه، ظاهر کردن شیشه عکاسی در شب؛ فصل دوازدهم، عکس روی پارچه و عکس روی چوب و فلز.

ناصرالدین شاه افزون بر ترغیب رجال دربار به فراگرفتن عکاسی، برای استفاده عموم مردم از عکاسی در سال ۱۲۸۵ق دستور داد اولین عکاس خانه را به مدیریت عباس علی بیگ، از شاگردان آقارضا عکاس باشی، در خیابان جباخانه تأسیس کنند. در ۲۵ ذی الحجه سال ۱۲۸۵ق، در روزنامه دولت علیه ایران در این باره این آگهی درج شد:

اعلانات

چون اغلب مردم زیاده از حد مایل و راغب هستند که عکس خود را ببینند و در عکاس خانه مبارکه دولتی همه کس نمی تواند برود و عکس خود را ببیند، عکاس باشی عباس علی بیگ آدم خود را که مدت ها در زیر دست او بوده و تربیت شده و در عکاسی کمال مهارت را پیدا کرده بود قرار گذاشت در خیابان جباخانه مبارکه حجره ترتیب و اسباب عکاسی آماده نماید، تا هر کس را میل انداختن عکس خود باشد، در آنجا رفته عکس ببیند و قیمت آن هم موقوف بزرگ و کوچکی عکس است.

عکس بزرگ یکی چهار هزار دینار است.

عکس کوچک یکی دوهزار دینار است.

تا دوازده عدد بعد از آن هر کس زیادتر

طالب باشد یکی سه هزار دینار است.

زیاد بخوهد یکی سی شاهی است.^{۲۲}

با استقبال مردم از گرفتن عکس، به تدریج بر تعداد عکاس خانه های تهران و شهرستانها افزوده شد. اعتمادالسلطنه در *الآثار والآثار*، که در ۱۳۰۶ق به طبع رسید، تعداد عکاسان و عکاس خانه های تهران و دیگر شهرها را بسیار دانسته و شمار آنها را خارج از حد تصور گزارش کرده است.^{۲۳}

تعدادی از این عکاسان به شهرت رسیدند و برای عکاس خانه خود نشان تهیه کردند. این عکاسان مقواهای مخصوصی برای چسباندن عکس بر روی آنها تهیه کردند و در زیر عکس نام عکاس یا نام عکاس خانه را با حروف لاتینی نوشتند؛ مثلاً: Portrait Cabinet یا Antoine Sevruguine. بیشتر عکسهایی که از عکاسان عمومی نامدار تهران باقی مانده به قطع ۱۴×۱۰/۵ سانتی متر است.

از پرکارترین و مشهورترین عکاسان حرفه ای ایران در آن زمان آنتوان سوروگین بود. پدر و مادرش از ارمنیان مهاجر تفلیس بودند. واسیلی، پدر آنتوان، مستشرق و دیپلمات بود و مدتی در سفارت خانه روسیه تزاری در تهران کار می کرد و آنتوان در تهران به دنیا آمد.

پس از وفات واسیلی، خانواده اش به تفلیس بازگشت. آنتوان پس از فراغت از تحصیل به ایران آمد و به تجارت پرداخت؛ ولی چون به عکاسی علاقه بسیار داشت، تجارت را رها کرد و مدت پنجاه سال، از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۰ش، عکاسی کرد.^{۲۴}

سوروگین به سراسر ایران مسافرت کرد و از آثار باستانی و بناهای تاریخی و مناظر و پوشاک مردم مختلف ایران و زندگی و فرهنگ ایشان عکسهایی ارزنده و زیبا گرفت.

سوروگین عکاس دربار قاجار و مورد توجه ناصرالدین شاه بود. شاه به او لقب «خان» عطا کرد. او در بسیاری از مجالس رسمی و غیر رسمی دربار حضور می یافت و عکس می گرفت. در بایگانی مایرون بنت اسمیت^(۶) در نگارخانه فریر^(۷) و اشتگتن، تعداد زیادی از نگاتیوهای شیشه ای سوروگین نگهداری می شود.^{۲۵}

سوروگین به کیفیت نور و تغییرات آن توجه خاص داشت و بیشتر عکسهایی خود را در اواسط روز می گرفت که خورشید عمودی می تابد و سایه کوتاه است. سوروگین عکسهایی را که در عکاس خانه اش می گرفت بر روی مقوای مخصوص می چسباند. در پشت مقوا، نشان عکاس خانه به رنگ آبی چاپ شده بود که عبارت بود از نقش نشان همایونی که ناصرالدین شاه به او هدیه کرده بود، همراه با نشانی عکاس خانه به فارسی و فرانسوی. نشانی فارسی چنین بود: «عکاس خانه مسیو آن توان سوریوگین، خیابان علاءالدوله درب میدان مشق طهران».

ژوزف پایازیان از عکاسان بنام عهد ناصرالدین شاه بود. او در سال ۱۲۹۹ق/ ۱۸۸۲م عکاس خانه ای در تهران دایر کرد. پایازیان مهر ساده ای با نقش شیر و خورشید و نام خود و تاریخ تأسیس عکاس خانه با عبارت «دارنده مدال های طلا از شاه ایران» به زبان انگلیسی برای خود ساخته بود. او برای نشان دادن شایستگی و مهارتش در عکاسی، نقش این مدال را در میان نشانه زیبایی که برای

(6) Mayron Bement Smith
(7) Freer Gallery

عکاس‌خانه تهیه کرده بود، گنجانند و مهری به چهار زبان فارسی، فرانسه، روسی، و ارمنی تهیه و از آن به جای مهر پیشین استفاده کرد.

از کارهای عکاسی او، یکی تصویر عمارت گلدسته، از بناهای عصر صفوی در اصفهان است که اهل قلم در آن می‌نشستند. این تصویر در آلبوم‌خانه انگلستان موجود است. دیگری عکس کوچکی است از میرزا محمد اقبال‌الملک (فرزند میرزا بابا حکیم‌باشی) که در آلبوم شخصی خود اوست. این عکس اقبال‌السلطنه را در سالهای پیری و بعد از مأموریت لندن، با کلاه پوست بخارا و جبه شال ترمه شمشه و شرابه‌دار، با تمثال همایونی نشان می‌دهد، که بر صندلی راحتی نشسته است و عصایی به دست دارد. سومین تصویر عکس کوچکی است از سیدی معتم که چهار تن کلاهی در دوسو و پشت سرش ایستاده‌اند. زیر این عکس نام پایازبان و تهران با حروف لاتینی نوشته شده است. چهارمین تصویر چهره میرزا فتح‌علی‌خان شیرازی را در سالهای میانی زندگی‌اش نشان می‌دهد.^{۲۶}

در آن روزگار، چند تن از عکاسان کارآزموده به شهرت رسیدند، که عبارت‌اند از: حاجی میرزا علی عکاس‌باشی؛ آقا رضا پیشخدمت؛ اقبال‌السلطنه؛ علی‌نقی؛ عزیز خواجه، متصدی تاریک‌خانه و ظهور عکس؛ عباس‌علی‌بیگ، ناظم عکاس‌خانه مبارکه همایونی؛ حسین‌علی عکاس‌باشی، از شاگردانی که برای فراگرفتن فن عکاسی به اروپا اعزام شده بود؛ میرزا احمد عکاس‌باشی؛ میرزا احمدخان صنیع‌السلطنه، که تحصیل‌کرده رشته عکاسی بود و یکی از عکاس‌خانه‌های تهران را بر بام مدرسه دارالفنون بنیاد نهاد؛ عبدالله قاجار، عکاس‌باشی مدرسه دارالفنون، از شاگردانی که عکاسی را در فرنگ آموخته بود؛ محمدحسین‌خان قاجار؛ میرزا جهانگیرخان عکاس.^{۲۷}

دوست محمدخان معیرالممالک و برادرش میرزا محمدخان حشمت‌الممالک نیز هر یک عکاس‌خانه‌ای در گوشه‌ای از خانه بزرگ خود درست کرده بودند.^{۲۸}

به سبب علاقه ناصرالدین‌شاه به دیدن عکسهای مکانهای مقدس و بقاع متبرک ائمه اطهار، چنانچه خود فرصت عکس گرفتن از این مکانها را نداشت، دستور می‌داد عکاسان دربار از مکانهای مورد نظر او عکس

تهیه کنند. در سال ۱۲۸۶ق، ناصرالدین‌شاه به آقارضا عکاس‌باشی دستور داد که از زیارتگاهها و بقاع متبرکه ائمه معصومین عکس بگیرد. آقا رضا عکاس‌باشی عباس‌علی بیگ را، که از عکاسان عکاس‌خانه مبارکه همایونی بود، به این کار مأمور کرد و او را به عتبات عالیات فرستاد. عباس‌علی بیگ در ماه صفر ۱۲۸۶ق این مأموریت را به انجام رساند. پس از بازگشت او، آقا رضا عکاس‌باشی عکسها را ظاهر و چاپ کرد و در آلبومی قرار داد و تقدیم شاه کرد. در آلبوم شماره ۲۹۳ مجموعه آلبوم‌خانه کاخ گلستان، آقارضا عکاس‌باشی از فرمان شاه قاجار و چگونگی اجرای آن نوشته است:

از آنجا که اخلاص و ارادت اعلی‌حضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی و ولی‌نعمت اهالی کل ممالک محروسه ایران، روحی و روح‌العالمین فدا، به خانواده رسالت و اهل بیت طهارت بی‌نیابت است، در شهر شعبان ۱۲۸۶ به این خانه‌زاد، رضای عکاس‌باشی و پیشخدمت حضور همایون، امر و مقرر فرمود که یک نفر عکاس قابل روانه عتبات عالیات نماید که عکس تمام اماکن مشرفه را انداخته به حضور مبارک بیاورد. خانه‌زاد هم عباس‌علی بیگ را که در این عمل سالها بود در عکاس‌خانه مبارکه مشغول خدمت و تعلیم عکاسی بود، با مخارج دولتی و عزت تمام روانه و مأمور این خدمت نمود. در شهر صفر هزارودویست‌وهشتادوهفت مأموریت خود را انجام داده عکسهای اماکن مشرفه و غیره را انداخته معاودت نمود. این خانه‌زاد در عکاس‌خانه مبارکه به روی کاغذ نقل نمود و آلبوم ساخته به حضور ساطع‌النور همایون شاهنشاهی برد. امید که در حضور شاهنشاه اعظم پسندیده و مقبول طبع مبارک افتد.

حاکمان و والیان ولایات مختلف ایران با توجه به علاقه ناصرالدین‌شاه به دیدن عکس از نواحی مختلف ایران، عکاسانی برای عکس‌برداری استخدام می‌کردند و یا خود با تهیه دوربین عکاسی و آموختن طرز عکس‌برداری، از مناطق مختلف تحت حکومت خود از بناهای حکومتی، نظامیان، مردم و زندگی روزمره آنان، مناظر، مراسم، و بناهای تاریخی عکس می‌گرفتند و بر روی عکسها شرح می‌نوشتند و به صورت آلبوم برای شاه می‌فرستادند.

خانم بدری آتابای، کتابدار پیشین کاخ گلستان، گزیده‌ای از عکسهای موجود در آلبومهای کتابخانه را تهیه کرده است. این آلبومها شامل بیش از بیست هزار عکس اصلی است که ناصرالدین‌شاه گرد آورده است. در این آلبومها، عکسهایی از خانواده‌های سلطنتی اروپا، زنان حرم‌سرای شاه، دیدار شاه از شهرهای مختلف ایران، چهره شخصیت‌های طراز اول حکومت قاجار، عکسهایی از شاه و ملتزمان رکاب در مراسم مختلف، شکار، مسافرت، بازدید، و دیگر کارهای او هست.^{۲۹}

مجموعه عکسهایی که از دوره ناصرالدین‌شاه در آلبومهای آلبوم‌خانه کاخ گلستان و دیگر منابع باقی مانده اسناد معتبری است برای پژوهشگران رشته‌های مختلف تاریخ و فرهنگ ایران، خصوصاً رشته‌های باستان‌شناسی و مردم‌شناسی.

برخی بناهایی که در آن روزگار از آنها عکس گرفته‌اند از بین رفته و اثری از آنها نمانده است؛ مثلاً عمارت عکاس‌خانه مبارکه همایونی، دروازه اول و دوم خیابان ناصریه، عمارت باغ لاله‌زار، عمارت دوشان‌تپه، عمارت نظامیه، عمارت حوض‌خانه سلطنت‌آباد، کاخ سلطنت‌آباد. باغ گلستان پیش از آنکه به صورت باغ یکپارچه کنونی در آید، از حیاطها و باغچه‌های متعددی تشکیل می‌شد که در هر یک از آنها یک یا چند عمارت ساخته بودند. در ضلع شمالی باغ، چند عمارت وجود داشت که عبارت بود از: الماسیه، کلاه فرنگی، چهل ستون، تالار عاج، که به جز تالار عاج، بناهای دیگر ویران شده است.^{۳۰}

عکسهای پوشاک مردم نقاط مختلف ایران اسنادی است برای پژوهشگران؛ چون امروزه پوشیدن بسیاری از این لباسها منسوخ شده است. همچنین است عکسهایی از مراسم گوناگون که به مناسبت‌هایی برگزار می‌شد؛ امروز این مراسم فراموش شده یا روش اجرای برخی از آنها تغییر کرده است.

نباید فراموش کرد که موضوع اساسی و مهم در زندگی ناصرالدین‌شاه اهتمام او به تفریح و تفنن و خوش‌گذرانی است. او عکاسی را نیز در کنار شکار، مسافرتها متعدد در داخل و خارج از کشور، قماشای دلکعبازیه‌های عملة طرب (مانند کریم شیرهای، اسماعیل بزار، کل عنایت و حتی ملیجک سبب انبساط خاطر

می‌شرد.^{۳۱} به سبب توجه ناصرالدین‌شاه به عکاسی، چندین هزار عکس از او و عکاسان دربار و رجال قاجار باقی مانده که مجموعه‌ای است بسیار غنی و با ارزش. □

کتاب‌نامه

- استاین، دانا. سرآغاز عکاسی در ایران. ترجمه ابراهیم هاشمی، تهران، اسپرک، ۱۳۶۸.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. المآثر والآثار. چاپ سنگی، ۱۳۰۶ق.
- روزنامه خاطرات. به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۵.
- مرآت البلدان، تهران، ۱۲۹۳-۱۲۹۷ق.
- بیگی، حسن. تهران قدیم. تهران، ققنوس، ۱۳۶۶.
- پاپاریان، گارابد. صنعت عکاسی، تهران ۱۳۱۲ق (نسخه شادروان بیگی دکاء).
- دالکیان، گازیق‌خان. علم عکاسی جدید، نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- دکاء، بیگی و محمدحسن سمسار. تهران در تصویر. تهران، سروش، ۱۳۴۹.
- دکاء، بیگی. تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- رایت، دنیس. ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، صحنه‌هایی از تاریخ مناسبات ایران و بریتانیا، ترجمه کریم امامی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۶.
- روزنامه علیه ایران، ۱۰ رجب ۱۲۸۴ق و ۲۵ ذی‌الحجه ۱۲۸۵ق.
- عدل، شهریار. «داگرنوتیب»، در: طاووس، ش ۵ و ۶ (پاییز و زمستان ۱۳۷۹).
- فهرست آلبوم‌های کتابخانه کاخ گلستان.
- هویان، آندرانیک. «از عملة طرب تا گروه‌های تئاتری»، در: همشهری، ش ۲۲۸۹ (اول بهمن ۱۳۸۳).

پی‌نوشتها

۱. شهریار عدل، «داگرنوتیب».
۲. بیگی دکاء، تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، ص ۷.
۳. دنیس رایت، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ص ۲۲۲.
۴. دکاء، همان، ص ۴.
۵. اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۳، ص ۲.
۶. هویان، المآثر والآثار، ص ۹۴.
۷. دکاء، همان، ص ۲۸۱.
۸. استاین، سرآغاز عکاسی در ایران، ص ۲۲.
۹. همان، ص ۱۶.
۱۰. آلبوم ش ۳۳۵، آلبوم‌خانه کاخ گلستان.
۱۱. اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۳، ص ۲۲.
۱۲. دکاء، همان، ص ۳۸۹.

۱۳. همان، ص ۸۲.
۱۴. استاین، همان، ص ۲۳.
۱۵. ذکاء، همان، ص ۲۹.
۱۶. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۵۷۱.
۱۷. ذکاء، همان، ص ۳۴.
۱۸. روزنامه دولت علیه ایران، دهم رجب ۱۲۸۴ق.
۱۹. بیگی، تهران قدیم، ص ۴۳۴.
۲۰. پایاریان، صنعت عکاسی.
۲۱. دالکجیان، علم عکاسی جدید.
۲۲. روزنامه دولت علیه ایران، ۲۵ ذی الحجه ۱۲۸۵ق.
۲۳. اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار، ص ۹۴.
۲۴. گفتگوی نگارنده با نوه سوروگین.
۲۵. استاین، همان، ص ۲۸.
۲۶. اطلاعات درباره پایاریان عکاس را روان‌شاد یحیی ذکاء در اختیارم گذاشت.
۲۷. فهرست آلبومهای آلبومخانه کاخ گلستان.
۲۸. ذکاء، همان، ص ۳۸۹.
۲۹. استاین، همان، ص ۱۵.
۳۰. ذکاء و سمسار، تهران در تصویر، ص ۱۲۱.
۳۱. آندراتیک هویان، «از عملة طرب تا گروههای تئاتری».

